



سوالات جا خالی

- ۱- انسان با مفهوم آشناست و می تواند خوب و بد..... را درک کند.
- ۲- مسئله اخلاق را می توان یکی از وجوه..... انسان از سایر موجودات دانست.
- ۳- کار های انسان را به طور کلی می توان به دو دسته..... و..... تقسیم کرد.
- ۴- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با و..... آدمی رابطه دارد.
- ۵- افلاطون معتقد است که در وجود انسان سه قوه اصلی به نام های قوه ی..... و..... و..... فعال هستند.
- ۶- به نظر افلاطون نتیجه حاکمیت عقل بر قوه شهوت..... و بر قوه غضب..... و برای خود عقل..... خواهد بود.
- ۷- نتیجه سامان دهی عقل بر قراری..... میان قوا و سراسر شخصیت انسان است.
- ۸- ارسطو کتابی تحت عنوان..... دارد که شاید بتوان گفت اولین کتاب مستقل در اخلاق است.
- ۹- ارسطو شاگرد..... درباره ی معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد.
- ۱۰- به نظر ارسطو اگر..... بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد.
- ۱۱- به نظر ارسطو اعتدال در قوا عامل..... و..... است.
- ۱۲- به نظر ارسطو خود عقل نیاز به رشد و رسیدن به درجات مناسبی از معرفت دارد تا دچار..... و..... نشود.
- ۱۳- افلاطون و ارسطو هر دو بر لازمه..... بر قوا تاکید دارند و آن را برای رسیدن اعتدال در قوا لازم می دانند.
- ۱۴- کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمان عقیده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید در..... جستجو کرد.
- ۱۵- کانت معتقد است که هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از..... انجام دهد، خیر اخلاقی شمرده می شود.
- ۱۶- کانت می گوید: بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده ی مزبور قانون..... و..... شود.
- ۱۷- فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان..... انسان جستجو می کنند.
- ۱۸- توماس هابز می گوید: هر گاه انسانی بخواهد در برابر دیگران..... زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق دهد که در برابر او به همان میزان..... باشند.

۱۹- فیلسوفان مسلمان در ذیل مبحث.....برخی مسائل مربوط به فلسفه اخلاق را طرح و آرای خود را در باره ی آن تبیین کرده اند.

۲۰- فلاسفه مسلمان عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد،می نامند.

۲۱- از دیدگاه فلاسفه مسلمان فضائل کمالاتی هستند که باعث رشد و کمالمی شوند.

پاسخنامه

۱- اخلاق- اخلاقی ۲- تمایز ۳- فعل طبیعی - فعل اخلاقی ۴- سعادت- نیک بختی حقیقی ۵- شهوت- غضب- عقل ۶- خویشتنداری- شجاعت- عدالت ۷- عدالت ۸- اخلاق نیکو ماخوس ۹- افلاطون ۱۰- عقل ۱۱- سعادت- نیک بختی ۱۲- افراط- تفریط ۱۳- حاکمیت عقل ۱۴- وجدان اخلاقی ۱۵- وجدان خود ۱۶- کلی و عمومی ۱۷- رفتار طبیعی ۱۸- آزادی- آزاد ۱۹- عقل عملی ۲۰- عقل عملی ۲۱- روح

سوالات تشریحی

۱- تعریف برخی متفکران از انسان بر اساس ویژگی اخلاق چیست؟

انسان موجودی است اخلاقی که **حُسن** و **قُبْح** را درک می کند و کارها یی بر اساس این درک انجام می دهد. مقدمه صفحه ۷۰

۲- کار های انسان به طور کلی به چند دسته تقسیم می شود؟ با مثال بنویسید.

کار های انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد:

الف) کارهایی که انسان آن ها را برای رفع نیاز های خود انجام می دهد؛ از قبیل خرید، کار، خواب، استراحت، آشپزی و ورزش و تفریح. این قبیل کارها را که به طور عادی برای رفع نیاز های طبیعی انجام می شود، «**فعل طبیعی**» می نامند.

ب) دسته ی دیگر کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا خدمت و سرزنش واقع می شوند؛ مانند احسان و کمک به دیگران، ایثار و فداکاری و مبارزه با ظلم و نابرابری. این قبیل کارها را «**فعل اخلاقی**» می گویند. صفحه ۷۲

۳- چه مسئله ای در حیطه افعال و کارهای انسان، توجه فلاسفه را به خود جلب کرده است و ایشان به دنبال یافتن پاسخ چه سوالاتی در این زمینه هستند؟

یکی از مسائلی که در این چشم انداز توجه فلاسفه را به خود جلب کرده، **تفاوت میان این دو نوع کار (فعل طبیعی- فعل اخلاقی)** است. پرسش اصلی این است که چه ویژگی هایی در افعال دسته ی نخست وجود دارد که باعث می شود آن ها را «**افعال طبیعی**» بدانیم؟ در مورد دسته ی دوم چطور؟ چه ویژگی هایی این قبیل کارها را به فعل اخلاقی تبدیل می کند؟ فعل اخلاقی چیست و قواعد آن از کجا سرچشمه می گیرد؟ این قواعد چگونه مورد توجه عموم واقع می شوند؟ آیا هر کس می تواند مطابق سلیقه و دیدگاه خود قاعده ی اخلاقی وضع کند و از دیگران بخواهد آن را رعایت نمایند؟ آیا اصول اخلاقی بسته به تحول و تفاوت فرهنگ ها و جوامع متغیر و متفاوت اند؟ صفحه ۷۲

۴- از نظر افلاطون معیار فعل اخلاقی چیست؟

از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر بر خلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود. صفحه ۷۳

۵- نظر افلاطون درباره ی قوای اصلی وجود انسان و وظایف آن ها چیست؟

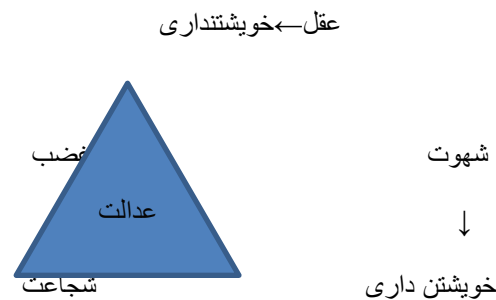
او می گوید: در وجود انسان سه قوه ی اصلی فعال هستند: «قوه شهوت» که انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرا می خواند؛ «قوه غضب» که انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند؛ و «قوه عقل» که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند. صفحه ۷۳

۶- افلاطون در پاسخ به این سوال که «در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است؟» چه پاسخی می دهد؟

افلاطون می گوید: عمل انسان در صورتی در جهت سعادت خواهد بود که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد، یعنی قوه ی غضب و قوه ی شهوت تحت کنترل و حکومت عقل باشند و به گونه ای که عقل آنها را راهنمایی می کند عمل کنند. صفحه ۷۳

۷- به نظر افلاطون نقش عقل در رابطه با سایر قوا چیست و این ارتباط چه نتیجه و برابندی را به دنبال خواهد داشت؟

وی می گوید: اگر عقل حاکم باشد، قوه شهوت پا از گلیم خود درازتر نمی کند و «خویشتنداری» پیش می گیرد؛ قوه ی غضب متصف به «شجاعت» می شود و عقل نیز به «حکمت» می رسد. براینکه و نتیجه ی چنین سامانی برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است. صفحه ۷۳



۸- به نظر افلاطون معیار نیک بختی انسان چیست؟ و آیا این معیار از دیدگاه او مطلق است یا نسبی و محدود به زمان و مکان؟

انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتن داری»، «شجاعت» و «عدالت» است نیک بخت است؛ این معیار میان همه ی انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند. صفحه ۷۳

۹- به دو سوال زیر پاسخ دهید.

الف) نظر ارسطو درباره ی معیار فعل اخلاقی چیست؟

ب) نظر ارسطو درباره فعالیت دو قوه شهوت و غضب چیست و نقش عقل و لازمه آن در ارتباط با این قوا کدام است؟

الف- ارسطو شاگرد افلاطون درباره ی معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد؛ او معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال عامل سعادت و نیک بختی انسان است.

ب- به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود. بنابراین اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشند، انسان به سعادت می رسد. ارسطو نیز معتقد است عقل هر انسانی این اعتدال را درک می کند و آن را به عنوان امری درست می پذیرد. صفحه ۷۳-۷۴

۱۰- جدولی رسم کرده و در آن حالت افراط، تفریط و حد وسط و اعتدال قوای عقل، غضب و شهوت را تبیین کنید. صفحه ۷۴

قوا	حالت افراط	حالت تفریط	حد وسط و اعتدال
عقل	جُرْبُزَه	سفاهت	حکمت
قوه غضب	تَهْوَر	ترس	شجاعت

قوه شهوت	شَرَه	خمودی	خویشتن داری
----------	-------	-------	-------------

۱۱- به عقیده کانت معیار فعل اخلاقی را باید در کجا جستجو کرد؟

کانت عقیده دارد معیار فعل اخلاقی را باید در «وجدان اخلاقی» جستجو کرد. کانت می گوید هر انسانی در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. هر کاری که انسان آن را **صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد** و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت شمرده می شود. صفحه ۷۴-۷۵

۱۲- مقصود کانت از این جمله ی او چیست؟

« بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده ی مزبور قانون کلی و عمومی شود»؟

مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را بپسندد و عاملان آن را تحسین کند. صفحه ۷۵

۱۳- جمله مشهور کانت در رابطه با اهمیت وجدان فردی چیست؟

« دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد: یکی آسمانی که بالای سرماست، دیگری وجدانی که در درون ماست. صفحه ۷۵

۱۴- فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در چه عاملی جستجو می کنند؟ توضیح دهید.

فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جستجو می کنند. از نظر این گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد. بنابر این «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کاری می دهیم بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان. صفحه ۷۵

۱۵- آیا طبق دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا، در نظر گرفتن منافع دیگران تأثیری در رسیدن هر فرد به منافع طبیعی خود خواهد داشت؟ و آیا این دو در تضاد با یکدیگر نخواهند بود؟

از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا در غیر این صورت منفعت خودش نیز حفظ نمی شود. بنابر این اولین قانون اخلاقی این است که: « آنچه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند. در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی». صفحه ۷۵

۱۶- دیدگاه طبیعت گرایان در رابطه با شکل گیری امور اخلاقی و منشأ آن امور را مثال توضیح دهید.

بنابر این دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته است نفع او درگرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ درامانت خیانت نورزید؛ باید با دیگران به عدل رفتار نمود و امثال اینها. بر این اساس اموری مانند صداقت عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آن هاست، باید آن ها را مراعات کرد. صفحه ۷۶

۱۷- دیدگاه ابن سینا و دیگر فیلسوفان مسلمان در رابطه با معیار فعل اخلاقی و فضیلت چیست به دیدگاه کدام فلاسفه نزدیک است؟

ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند. آنان نیز عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند و این عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد، «عقل عملی» می نامند. عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشتن داری، و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند. بنا براین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی

مانند ظلم، بخل و ریا گریزان است. این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند. بنا براین هر انسانی به دنبال کسب فضائل است؛ زیرا او با کسب این فضائل احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد. صفحه ۷۶

۱۸- چرا فلاسفه مسلمان معتقدند که شناخت و علاقه ی انسان به فضیلت ها به تنهایی برای رفتن به سوی آن ها کافی نیست؟

فلاسفه مسلمان می گویند: اگر چه بشر به فضیلت ها علاقه مند است و عقل او آن ها را زیبا و خوب می داند، اما رفتن به سوی این فضائل و عمل بر اساس آن ها چندان هم آسان نیست، زیرا انسان دو دسته فعل دارد: فعل طبیعی و فعل اخلاقی. فعل طبیعی برای رسیدن به تمایلات طبیعی و رفع نیاز های طبیعی است. حال مسئله این است که گاه کسب این فضیلت ها با منافع و تمایلات جسمانی انسان در تضاد است؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات انسان قوی باشند می توانند مانع رسیدن او به فضیلت ها شوند و حتی او را به سوی رذیلت ها هدایت کنند. صفحه ۷۷

۱۹- به نظر فلاسفه مسلمان علاوه بر شناخت و تمایل ذاتی انسان به کسب فضائل، چه پشتوانه و عامل دیگری برای ترجیح فضائل بر تمایلات شخصی لازم است؟

به نظر ایشان علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست. اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب کند و از رذائل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود. صفحه ۷۸

۲۰- مهم ترین عامل در حرکت به سوی فضائل و ترک رذائل کدام است؟ و آیا ارتباطی با سرپیچی انسان از فرمان خدا دارد؟

اختیار انسان. بله زیرا انسان در هر صورت موجودی مختار با تمایلات قوی و شدید (شخصی) است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات از فرمان خدا هم سر پیچی کند. صفحه ۷۸

سوال جور کردنی

موارد سمت راست را به سمت چپ ارتباط دهید.

- ۱- فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می شود ۱- کانت
- ۲- اعتدال در قوا عامل سعادت و نیک بختی انسان است ۲- ارسطو
- ۳- معیار فعل اخلاقی را باید در وجدان اخلاقی جستجو کرد ۳- فلاسفه مسلمان
- ۴- ریشه های فعل اخلاقی را باید در رفتار طبیعی انسان جستجو کرد ۴- افلاطون
- ۵- پشتوانه انسان در ترجیح فضائل بر تمایلات شخصی «خداست» ۵- فیلسوفان طبیعت گرا

۱- افلاطون ۲- ارسطو ۳- کانت ۴- فیلسوفان طبیعت گرا ۵- فلاسفه مسلمان

